

نقش عوامل موثر بر استحکام خانواده ایرانی
(مطالعه موردی استان قم)سید محسن فاضلی^۱فاطمه عزیزآبادی فراهانی^۲سید رضا صالحی امیری^۳کامران محمدخانی^۴علی باقی نصرآبادی^۵

۳۴

سال شانزدهم
پاییز و زمستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۲۴

صص: ۳۹-۱

شابا چاپ: ۶۳۲۸-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر عوامل موثر بر استحکام خانواده ایرانی در شهر قم پرداخته است. هدف اصلی این مطالعه، شناسایی و تحلیل ابعاد مختلفی است که می‌تواند بر کیفیت روابط خانوادگی تأثیرگذار باشند. با توجه به اهمیت نهاد خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی و تأثیر آن بر سلامت روانی و اجتماعی افراد، این تحقیق سعی دارد تا عوامل کلیدی را که می‌تواند به تقویت استحکام خانواده‌ها منجر شوند را شناسایی کند. این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای معتبر که توسط محقق طراحی شده، استفاده گردیده است. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار ۰٫۹۳۵ به دست آمد که نشان‌دهنده اعتبار بالایی ابزار اندازه‌گیری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل خانواده‌های ساکن در مناطق مختلف استان قم است که حداقل پنج سال در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران برابر با ۴۰۰ نفر تعیین گردید و روش نمونه‌گیری به صورت سیستماتیک طبقه‌ای انجام شد. نتایج توصیفی حاکی از آن است که ۹۸ درصد پاسخگویان، عوامل موثر بر استحکام خانواده ایرانی را در سطح متوسط به بالا ارزیابی کرده‌اند. همچنین، تمامی شش فرضیه تحقیق با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون به طور معناداری تأیید شد. تحلیل رگرسیون نشان داد که متغیرهای اعتقادی، عاطفی و روان‌شناختی، خانوادگی، اقتصادی، آموزشی و رسانه‌ای تأثیر مستقیم و معناداری بر استحکام خانواده دارند. به ویژه، نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای اعتقادی، اقتصادی، عاطفی و روان‌شناختی بیشترین تأثیر را بر کیفیت روابط خانوادگی دارند. این پژوهش در نهایت پیشنهادهایی عملی برای تقویت استحکام خانواده ایرانی ارائه می‌دهد که می‌تواند به عنوان ابزاری موثر برای سنجش و بهبود کیفیت روابط خانوادگی مورد استفاده قرار گیرد. این پیشنهادات شامل برنامه‌های آموزشی برای والدین، ایجاد گروه‌های حمایتی خانوادگی و توسعه محتوای رسانه‌ای مثبت است که می‌تواند به ترویج ارزش‌های خانوادگی کمک کند. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند به سیاستگذاران اجتماعی کمک کند تا برنامه‌های مؤثری برای حمایت از خانواده‌ها طراحی کنند.

کلیدواژه‌ها: خانواده، استحکام خانواده، عوامل اعتقادی، اقتصادی، عاطفی و روانشناختی.

DOR:

- ۱- دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (Email: mohsenfazeli58@gmail.com).
- ۲- دانشیار گروه مدیریت امور فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، (نویسنده مسئول)، (Email: f-azizabadi@srbiau.ac.ir).
- ۳- دانشیار گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، (Email: r-salehi@srbiau.ac.ir).
- ۴- دانشیار گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: k.mohamadkani@srbiau.ac.ir).
- ۵- استادیار پژوهشکده فرهنگی اجتماعی، پژوهشگاه امام صادق (ع)، قم، ایران. (Email: baqi1341@gmail.com).

۱- مقدمه و بیان مسئله:

خانواده نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی و رکن اصلی جامعه انسانی است که سرنوشت جامعه با آن پیوندی محکم دارد. این نهاد به‌عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌ها، محل تأمین نیازهای اساسی جسمی و روحی افراد به‌شمار می‌آید. در فرهنگ اسلامی، خانواده به‌عنوان دژ استوار و نهادی مقدس، مسئولیت‌های زیادی در تعالی و تکامل وجودی انسان بر عهده دارد. از نظر اسلام، اصلاحات اجتماعی باید از خانواده‌ها آغاز شود و زن و مرد مسلمان باید بنای حیات اجتماعی را در خانواده پی‌ریزی نمایند. قرآن کریم بر صیانت و مراقبت همه‌جانبه اعضای خانواده نسبت به یکدیگر تأکید دارد و در نگاه اسلام، هیچ بنایی نزد خداوند محبوب‌تر از ازدواج نیست (مجلسی، بی تا: ۲۲۲). متأسفانه امروزه این بنای محبوب با ابزارها و شیوه‌های مختلف مورد تهاجم بی‌رحمانه قرار گرفته است. چنانچه خانواده‌ها و مسئولان با بی‌توجهی از کنار این پدیده بگذرند، آسیب‌های جدی بر اساس خانواده‌ها وارد خواهد شد. در برخی خانواده‌ها شاهد دشواری‌های فراوانی در روابط میان والدین و فرزندان هستیم. گاه روابط آنان سست و متزلزل است و از صفا و صمیمیت واقعی خبری نیست. اعضای خانواده به‌ظاهر در کنار هم قرار دارند، اما مانند افراد بیگانه در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. این وضعیت نابسامان، سوغات غرب برای خانواده‌های مسلمان و متدین است. در جوامع غربی، خانواده‌ها با چالش‌های جدی مواجه‌اند؛ بسیاری از آن‌ها متلاشی شده‌اند و زنان تا آخر عمر به تنهایی زندگی می‌کنند. مقام معظم رهبری نیز بر این نکته تأکید دارند که اگر خانواده‌ها از نظر اخلاقی متزلزل شوند، تمام جامعه متزلزل خواهد شد (حدیث ولایت، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶/۱/۳۰). این مسائل نشان‌دهنده ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر استحکام خانواده ایرانی است. امروزه عوامل مختلفی نظیر عوامل اعتقادی، عاطفی و روانشناختی، خانوادگی، اقتصادی، آموزشی و رسانه‌ای بر استحکام خانواده تأثیرگذار هستند. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سوال است که میزان تأثیرگذاری این عوامل بر استحکام خانواده ایرانی چقدر می‌باشد. با توجه به اینکه بسیاری از مشکلات موجود در روابط خانوادگی ناشی از عدم شناخت کافی از این عوامل است، تحقیق حاضر با استفاده از روش‌های پیمایشی سعی دارد تأثیر این عوامل را بر استحکام خانواده تحلیل کند. نظریه‌های مختلف مانند نظریه شهید مطهری درباره شناخت نیازها (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۸۳)،

نظریه دگرگونی ارزش اینگلهارت (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۶)، نظریه طبقات رفتاری مرتن (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۹-۶۱) و نظریه علقه اجتماعی هیرشی (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۵۰۲-۵۰۱) همگی بر اهمیت این عوامل تأکید دارند. از سوی دیگر، باید توجه داشت که فضای مجازی و رسانه‌های نوظهور نیز به عنوان عوامل مؤثر در روابط خانوادگی شناخته شده‌اند. این ابزارها نه تنها فرصت‌هایی برای ارتباط برقرار کردن فراهم کرده‌اند بلکه چالش‌هایی نیز ایجاد کرده‌اند که ممکن است منجر به کاهش تعاملات واقعی بین اعضای خانواده شود. استفاده نادرست از فضای مجازی می‌تواند احساس تنهایی یا بیگانگی را افزایش دهد و کیفیت روابط خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد. ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه ایرانی، شناخت دقیق عوامل مؤثر بر استحکام خانواده می‌تواند به سیاست‌گذاران اجتماعی کمک کند تا برنامه‌های مؤثری برای حمایت از خانواده‌ها طراحی کنند. همچنین والدین را در تربیت صحیح فرزندان یاری نماید. این مقاله در پاسخ به سوال زیر طراحی شده است:

"عوامل مؤثر بر استحکام خانواده ایرانی کدامند و هر یک چه میزان تأثیری بر کیفیت روابط خانوادگی دارند؟"

۲- پیشینه تحقیق:

تحقیقات نشان داده‌اند که عوامل گوناگونی نظیر اعتقادات مذهبی، کیفیت روابط عاطفی، وضعیت اقتصادی، آموزش و رسانه‌ها تأثیر مستقیمی بر استحکام خانواده دارند. به‌ویژه در جوامع اسلامی، خانواده‌ها تحت تأثیر آموزه‌های دینی و فرهنگی قرار می‌گیرند که این تأثیر می‌تواند به تقویت یا تضعیف بنیان‌های خانوادگی منجر شود. در ادامه، به برخی از تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده و شباهت‌هایی با موضوع این مقاله دارند، اشاره می‌شود که عبارتند از:

خطیبی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «سنجش اثرگذاری مؤلفه‌های سازگاری بر تحکیم خانواده» پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که میزان اثرگذاری هر یک از مؤلفه‌های سازگاری بر تحکیم خانواده یکسان نیست. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره نشان داد که پیوستگی به خانواده با بتای ۰.۵۱۵، بیشترین تأثیرگذاری و بعد از آن ابراز عواطف و احساسات با بتای ۰.۳۳۰، بیشترین تأثیرگذاری را بر تحکیم خانواده داشته است.

حاجیان مقدم (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی خانواده مستحکم» موضوع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی» پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که خانواده مستحکم محدود به ملاحظه وجوه اخلاقی و جنبه‌های درونی و ذهنی نیست بلکه شیوه زندگی انسان در تمام ابعاد عاطفی، اندیشگی، رفتاری، مادی و معنوی را شامل می‌شود. بر این مبنا نظام خانواده واحدی به هم پیوسته و متصل است از اجزایی مرتبط به هم تشکیل شده، خانواده در چرخه زندگی از تغییرات اجتماعی متأثر می‌شود و در عین حال می‌تواند در کارایی و یا کژکارکردی جامعه نیز تأثیر بگذارد.

بانکی‌پورفرد و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «عوامل تعالی‌بخش در تحکیم بنیان خانواده در آرای مفسران و اندیشمندان معاصر مسلمان» پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با توجه به اینکه تعالی خانواده به عنوان متغیر وابسته و عوامل معنوی، فکری، احساسی و مادی به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است؛ بین عوامل بررسی شده، عوامل معنوی بیشترین تأثیر را بر تعالی خانواده در مستندات بررسی شده به خود اختصاص داده است.

درخش و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی» پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که حرکتی در جهت نگهداری و تداوم زندگی به عنوان مقوله مرکزی و همسرگزینی آگاهانه به عنوان شرایط علی و شرایط میانجی در پنج سطح فردی، زوجی، خانوادگی، فرهنگی-اجتماعی و والدینی طبقه‌بندی و ارائه شده است.

فتحی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده‌بنیاد» پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مقوله مرکزی که در تحقیقاتی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد محوری‌ترین مقوله است، در این تحقیق حرکت به سوی حفظ و ارزنده سازی رابطه بود. و همسرگزینی متناسب بر شناخت به عنوان شرایط علی و شرایط میانجی در چهار سطح فردی، زوجی، خانوادگی و والدینی طبقه‌بندی و ارائه شده است.

احمدی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه وضعیت استحکام خانواده در خانواده‌های نظامی و غیر نظامی» پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که رضایت زناشویی

در خانواده‌های نظامی به طور معناداری بیشتر از خانواده‌های غیرنظامی و تعارض زناشویی و خطر طلاق در خانواده‌های نظامی کمتر از خانواده‌های غیرنظامی بود. همچنین در تمامی زمینه‌های تعارض‌زا از قبیل کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش ائتلاف با فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان، کاهش رابطه خانوادگی و جدایی امور مالی از یکدیگر نمره خانواده‌های نظامی کمتر از خانواده‌های غیرنظامی بود. در آخر علی‌رغم اینکه خانواده‌های نظامی به خاطر نوع مدموریت هایشان تحت استرس‌های بیشتری قرار دارند، وضعیت استحکام خانواده در این گروه بهتر از خانواده‌های غیرنظامی است.

نقد پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیق ارائه شده شامل مطالعات متنوعی در زمینه تحکیم خانواده و عوامل مؤثر بر آن است. با وجود ارزشمند بودن این پژوهش‌ها، نکاتی در آنها مشاهده می‌شود که می‌تواند با تحقیق حاضر متفاوت باشد. اولین نکته، عدم انسجام در چارچوب نظری است. مطالعات ارائه شده از چارچوب‌های نظری و رویکردهای متفاوتی استفاده کرده‌اند. برای مثال، پژوهش خطیبی (۱۳۹۶) بر تحلیل رگرسیون متمرکز است، در حالی که پژوهش حاجیان مقدم (۱۳۹۶) به طراحی الگوهای کلی خانواده مستحکم پرداخته است. این تنوع باعث شده است که نتایج این تحقیقات قابل مقایسه نباشند و یکپارچگی نظری میان آن‌ها وجود نداشته باشد. نبود چارچوب نظری مشترک، تحلیل جامع‌تری از موضوع را دشوار کرده است. دومین نکته، تمرکز محدود بر مؤلفه‌های خاص است. بسیاری از این پژوهش‌ها تنها بر برخی مؤلفه‌های خاص مانند معنویت (بانکی‌پورفرد و همکاران، ۱۳۹۶) یا ابراز عواطف (خطیبی، ۱۳۹۶) تمرکز کرده‌اند. این رویکرد ممکن است موجب نادیده گرفتن سایر عوامل مهم مانند تعاملات بین‌نسلی، نقش فناوری در خانواده‌های امروزی یا تأثیرات اقتصادی شود. در تحقیق حاضر، به بررسی جامع‌تر عوامل مؤثر بر تحکیم خانواده پرداخته خواهد شد. سومین نکته، کمبود مطالعات طولی است. بیشتر مطالعات ارائه شده ماهیت مقطعی دارند و تغییرات بلندمدت در ساختار خانواده را بررسی نکرده‌اند. برای مثال، پژوهش احمدی و همکاران (۱۳۹۰) وضعیت خانواده‌های نظامی و غیرنظامی را در یک بازه زمانی محدود بررسی کرده است، اما تأثیرات بلندمدت مأموریت‌های نظامی بر خانواده‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. در این تحقیق، تلاش خواهد شد تا اطلاعات

دقیق‌تری درباره پایداری عوامل مؤثر بر استحکام خانواده ارائه شود. چهارمین نکته، عدم توجه کافی به تغییرات اجتماعی اخیر است. برخی از پژوهش‌ها مانند حاجیان مقدم (۱۳۹۶) به تغییرات اجتماعی اشاره کرده‌اند، اما بسیاری از تحقیقات پیشین به طور کامل به تأثیرات تغییرات فرهنگی، اجتماعی و فناوری‌های نوین بر ساختار خانواده نپرداخته‌اند. با توجه به تحولات سریع جامعه ایرانی، این موضوع نیازمند توجه بیشتری است که در تحقیق حاضر مد نظر قرار خواهد گرفت. پنجمین نکته، فقدان رویکرد ترکیبی در روش‌شناسی است. با وجود ارزشمند بودن این پژوهش‌ها، کاستی‌هایی مانند عدم انسجام نظری، تمرکز محدود بر مؤلفه‌های خاص، کمبود مطالعات طولی و عدم توجه کافی به تغییرات اجتماعی اخیر مشاهده می‌شود. بنابراین، در این تحقیق سعی خواهد شد که این ایرادات برطرف شده و دیدگاه جامع‌تر و کاربردی‌تری درباره استحکام خانواده ارائه گردد.

۳- چارچوب نظری:

استحکام خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد. در دنیای امروز، با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، خانواده‌ها با چالش‌های جدیدی مواجه هستند که نیاز به درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر استحکام خانواده را ضروری می‌سازد. این چارچوب نظری با بهره‌گیری از نظریات مختلف، به تحلیل عوامل مؤثر بر استحکام خانواده می‌پردازد و نقش هر یک از این عوامل را در تقویت یا تضعیف روابط خانوادگی بررسی می‌کند. در این راستا، نظریات جامعه‌شناسی نیز به‌عنوان ابزاری برای درک بهتر این پدیده مورد توجه قرار می‌گیرند. این چارچوب نظری تحلیلی نه تنها مبنایی برای پژوهش‌های آینده فراهم می‌آورد بلکه راهکارهایی مؤثر برای تقویت استحکام خانواده ارائه خواهد داد تا بتواند سلامت اجتماعی جامعه را نیز تضمین کند.

۳-۱. دیدگاه شهید مطهری (ره)

الف) دیدگاه شهید مطهری در خصوص نیاز

شهید مطهری بر اهمیت شناخت نیازهای نسل جوان تأکید دارد و معتقد است بدون شناخت دقیق مشکلات و نیازهای فکری و عقلی آنان، هر اقدامی بی‌فایده خواهد بود. او بیان می‌کند که نسل جوان دارای ادراکات و احساساتی است که در گذشته وجود نداشته و باید به این

ویژگی‌ها احترام گذاشت. در عین حال، انحرافات فکری و اخلاقی این نسل نیز باید با توجه به مزایا و آرمان‌های آنان اصلاح شود. از دیدگاه او، توجه به نیازها و مشکلات اعضای خانواده می‌تواند گرایش به ارزش‌ها و هنجارهای خانوادگی را تقویت کرده و وضعیت فرهنگی اجتماعی خانواده را بهبود بخشد (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۸۳).

ب) دیدگاه شهید مطهری در خصوص نحوه برخورد با جوانان

شهید مطهری معتقد است برخورد با نسل جوان باید واقع‌بینانه و ظریف باشد. او هشدار می‌دهد که افراط یا تفریط در برخورد با نیازها و احساسات جوانان می‌تواند موجب غرور یا سرخوردگی آنان شود. روش رهبری نسل جوان باید متناسب با زمان، مکان، فرهنگ و شرایط تغییر کند. او تأکید می‌کند که روش‌های قدیمی برای هدایت نسل جدید کارآمد نیستند و انتقاد صرف یا مذمت آنان نتیجه‌ای جز انحراف بیشتر نخواهد داشت (مطهری، ۱۳۶۱: ۱۶۴؛ ۱۳۶۷: ۱۳۶؛ ۱۳۶۱: ۲۱۴).

ج) نظریه دینداری

شهید مطهری انحرافات جوانان را در دو محور فکری-اعتقادی و عملی-اخلاقی بررسی می‌کند. او معتقد است که انحرافات فکری زمینه‌ساز انحرافات اخلاقی هستند و بالعکس. فساد اخلاقی باعث دوری از دین می‌شود، زیرا دین را مانعی برای تمایلات نفسانی می‌بیند. او تأکید دارد که هدایت افکار جوانان در خانواده و انتقال مناسب ارزش‌ها می‌تواند موجب تقویت دینداری آنان شده و از بروز انحرافات جلوگیری کند (مطهری، ۱۳۷۵: ۵۶۷-۵۷۲).

د) نظریه آموزش

شهید مطهری بر نقش آموزش نوین در اجتماعی کردن اعضای خانواده تأکید دارد. او معتقد است که آموزش باید متناسب با زبان و منطق نسل جدید باشد تا بتواند ارزش‌های خانوادگی و دینی را به‌درستی منتقل کند. او همچنین بر ضرورت عرضه صحیح دین با زبان روز توسط حوزه‌های علمیه تأکید می‌کند و بیان می‌دارد که آموزش روزآمد اثربخشی بیشتری در هدایت نسل جوان خواهد داشت (مطهری، ۱۳۶۵: ۱۱؛ ۱۳۷۱: ۸۹-۹۰).

شهید مطهری در سه دیدگاه خود که اشاره شد، عوامل اعتقادی را به‌عنوان پایه‌ای برای هدایت و تربیت نسل جوان معرفی می‌کند. او معتقد است که اگر ذهن جوانان با حقایق دینی پر نشود،

به طور طبیعی با مطالب ناحق پر خواهد شد. از این رو، او بر ارائه منطقی و عقلانی آموزه های دینی تأکید دارد تا جوانان بتوانند با شناخت عمیق تر، ایمان و باورهای خود را تقویت کرده و در نتیجه، استحکام خانواده نیز تضمین شود

۲-۳. نظریه مبادله

نظریه مبادله، که با محوریت جورج هومنز در دهه ۱۹۵۰ مطرح شد، بر اساس پاداش و مجازات شکل گرفته و مبادله را در چارچوب نظام هنجاری سامان می دهد. این نظریه توسط پیتر بلاو نیز توسعه یافته و به نوعی واکنشی به نظریه های ساختارگرایانه و کارکردگرایانه محسوب می شود. بلاو بر این باور است که هر جزء برای سود و منفعت کارکردی دارد که به بقای کل سیستم می انجامد و این نظریه نفی کننده "نظریه کلان" است (کرایب ۹۱، ۱۳۸۱). نظریه مبادله در انتخاب همسر و روابط خانوادگی کاربرد دارد. در این زمینه، مبادله موقعیت بهتر مردان و زیبایی زنان می تواند به ازدواج معنا دهد. اگر هزینه ها و منافع در ازدواج متعادل نباشد، احتمال طلاق افزایش می یابد. ازدواج به منزله مبادله ای است که شامل صرف هزینه انرژی و زمان بوده و در عوض لذت زندگی جمعی و اعتماد را برای طرفین به ارمغان می آورد (ارمکی ۱۳۸۶، ۲۴). پیتر بلاو (۲۰۰۲-۱۹۱۸) با تأکید بر فرآیندهای اجتماعی حاکم بر روابط انسانی، چهار مرحله در فرآیند مبادله تشخیص می دهد: معاملات تبادلی، تمایز در منزلت، مشروعیت، و دگرگونی. او همچنین معتقد است که باید توجه بیشتری به سطوح ساختاری فرهنگی داشت تا واقعیت های اجتماعی بهتر تبیین شوند (آزاد ارمکی؛ ص ۲۵۹). نظریه مبادله با تأکید بر تحلیل هزینه و فایده، رفتارهای اجتماعی را بر اساس منافع اقتصادی تبیین می کند. این نظریه مبین عوامل اقتصادی در این تحقیق می باشد.

۳-۳. نظریه شبکه

نظریه شبکه، که توسط الیزابت بات توسعه یافته است، به بررسی روابط اجتماعی خانواده ها و تأثیر آن بر تقسیم نقش های زن و شوهر می پردازد. بات معتقد است که میزان تفکیک نقش های زنا شویی با تراکم شبکه اجتماعی خانواده همبسته است. در خانواده هایی که شبکه اجتماعی متراکم دارند، نقش های زن و شوهر بیشتر تفکیکی و تابع سلسله مراتب است. در مقابل، در خانواده هایی با شبکه اجتماعی پراکنده، نقش ها به صورت مشارکتی و کمتر تفکیکی تقسیم

می شوند (سگالن، ۱۳۷۰: ۲۵۴-۲۵۵). بات در کتاب خانواده و شبکه اجتماعی بیان می کند که هرچه ارتباط زوجین با شبکه های خویشاوندی و دوستان نزدیک تر باشد، تأثیر بیشتری بر روابط زناشویی خواهد داشت. اگر شبکه متراکم با شد، زوجین بیشتر تحت فشار هنجارهای اجتماعی قرار می گیرند و ممکن است تصمیمات مستقل کمتری بگیرند. در مقابل، شبکه های پراکنده استقلال بیشتری به زوجین می دهند و موجب تقویت روابط آنها می شوند (ملفت، ۱۳۸۱: ۳۳). این نظریه نشان می دهد که ارتباطات اجتماعی خانواده ها به دو صورت "متصل" یا "پراکنده" است. در شبکه های متصل، خویشاوندان و دوستان با یکدیگر آشنا هستند و تعامل بیشتری دارند که منجر به تفکیک نقش ها می شود. اما در شبکه های پراکنده، زوجین وابستگی بیشتری به یکدیگر پیدا کرده و نقش ها به صورت مشترک انجام می شود (بات، ۱۳۷۳: ۲۵۳-۲۵۹).

نظریه شبکه بر تأثیر روابط و ارتباطات درون خانواده تأکید دارد و نشان می دهد که کیفیت این ارتباطات می تواند به طور مستقیم بر استحکام خانواده تأثیر بگذارد؛ به طوری که شبکه های حمایتی خانوادگی، احساس تعلق و امنیت عاطفی را تقویت کرده و به بهبود سلامت روانی اعضای خانواده کمک می کنند.

۳-۴. نظریه همسان همسری

نظریه همسان همسری بر این باور است که استحکام خانواده به وجود ویژگی های مشترک میان زن و شوهر بستگی دارد. همسانی میان دو فرد نه تنها آنها را به یکدیگر جذب می کند، بلکه پیوند زناشویی آنها را نیز تقویت می نماید. ناهمسانی میان همسران می تواند منجر به کشمکش های خانوادگی شود. هیل معتقد است که افراد تمایل دارند همسری انتخاب کنند که بیشتر با آنها همسان باشد و در صورت عدم رعایت این قاعده، احتمال ناسازگاری و جدایی افزایش می یابد. باور من نیز بیان می کند که انسان ها به طور ناخودآگاه در پی گزینش همسری هستند که صفات مشابهی با خود داشته باشد. لاک و برگس به این نکته اشاره دارند که شانس موفقیت فرد بیشتر در ازدواج های همسان است تا ناهمسان. وود در اثر خود به این نتیجه می رسد که هرچه همگونی میان دو همسر از نظر مذهب و نژاد کمتر باشد، اختلافات و کشمکش ها بیشتر خواهد بود. شنگ و یامامورا نیز بر این باورند که هرچه پیوندهای قومی و فرهنگی میان زن و شوهر

قوی تر باشد، خطر جدایی کمتر خواهد بود (ساروخانی ۱۳۸۵، ۴۰-۴۱). این نظریه نشان می‌دهد که وجود ویژگی‌های مشترک فرهنگی، شخصیتی و مذهبی در میان زوجین می‌تواند به تقویت روابط زناشویی کمک کند. همسانی در این ابعاد موجب کاهش سوء تفاهم‌ها، افزایش توافق و الفت، و در نهایت تحکیم خانواده می‌شود. بنابراین، توجه به عوامل همسانی در انتخاب شریک زندگی می‌تواند نقش مهمی در استحکام خانواده ایفا کند.

نظریه همسان همسری بر این اساس استوار است که آموزش‌های مناسب میان زوجین می‌تواند به تقویت روابط خانوادگی و کاهش تعارضات کمک کند. این نظریه مبین عوامل آموزشی در این تحقیق می‌باشد.

۳-۵. نظریه کنش متقابل نمادین:

نظریه «کنش متقابل نمادین» که توسط جرج هربرت مید ارائه شده است، به بررسی ارتباطات اجتماعی و نقش نمادها در این تعاملات می‌پردازد. بر اساس این نظریه، جامعه و خانواده به عنوان شبکه‌ای از ارتباطات متقابل تعریف می‌شوند. انسان‌ها با توجه به نمادهایی که در کنش‌های متقابل خود ایجاد می‌کنند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. واقعیت اجتماعی از طریق این کنش‌های متقابل شکل می‌گیرد و زبان به عنوان ابزار اصلی برقراری ارتباط بین افراد شناخته می‌شود. بنابراین، زبان و درک مشترک میان زوجین می‌تواند نقش مؤثری در استحکام خانواده داشته باشد. مفاهیم مرتبط با این نظریه مانند اجتماعی شدن، خودآیین‌سان، نقش‌پذیری و گروه‌های مرجع به خوبی بر روابط خانوادگی تطبیق می‌یابند و ابزارهای مفیدی برای پژوهش در این حوزه فراهم می‌کنند (حسین زاده، ۱۴۰۳، ۱۳۴). نظریه کنش متقابل نمادین تأکید دارد که افراد در تعاملات خود به دنبال «سرنخ‌هایی» هستند تا رفتار مناسب را شناسایی کنند و معنای کنش‌ها را تفسیر نمایند. برای مثال، زن و مردی که برای اولین بار یکدیگر را ملاقات می‌کنند، ممکن است زمان زیادی را صرف ارزیابی یکدیگر کنند تا بفهمند آیا رابطه‌ای برقرار خواهد شد یا خیر. در نهایت، نظریه کنش متقابل نمادین نشان می‌دهد که چگونه تعاملات نمادین و ارتباطات مؤثر بین افراد می‌تواند به تقویت روابط خانوادگی کمک کند و استحکام خانواده را افزایش دهد.

نظریه کنش متقابل نمادین بر این اساس استوار است که تعاملات اجتماعی و ارتباطات نمادین، تأثیر عمیقی بر عواطف و روانشناسی افراد دارند؛ به طوری که معانی و احساسات شکل گرفته در این تعاملات می‌توانند رفتارها و واکنش‌های عاطفی را تحت تأثیر قرار دهند.

۳-۶. نظریه دگرگونی ارزش اینگلهارت

نظریه دگرگونی ارزشی رونالد اینگلهارت به بررسی تغییرات فرهنگی در ارتباط با توسعه اقتصادی می‌پردازد. اینگلهارت و همکارانش پس از مطالعاتی که از سال ۱۹۷۰ آغاز شد، دریافتند که ارزش‌های مردم غرب از تأکید بر رفاه مادی و امنیت به سمت کیفیت زندگی، کاهش کنش‌های مذهبی سنتی و تغییر هنجارهای اجتماعی مرتبط با خانواده، طلاق و سقط جنین متمایل شده است. اینگلهارت دو فرضیه اصلی را مطرح می‌کند: فرضیه اجتماعی شدن که بیان می‌کند دگرگونی ارزش‌ها به تدریج و به طور نامرئی روی می‌دهد و فرضیه کمیابی که نشان می‌دهد افراد بیشترین ارزش را به چیزهایی می‌دهند که عرضه آن‌ها کم است. او نتیجه می‌گیرد که پس از افزایش امنیت جانی و اقتصادی، تفاوت‌های ارزشی میان گروه‌های سنی بزرگ‌تر و جوان‌تر قابل مشاهده است. یافته‌های او نشان می‌دهند که نسل‌های جوان‌تر بیشتر بر خواسته‌های فرامادی تأکید دارند و این تغییرات بیشتر ناشی از دگرگونی نسل‌هاست تا آثار سالخوردگی (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۷۶). اینگلهارت همچنین بیان می‌کند که هرچه پایگاه اجتماعی-اقتصادی اعضای خانواده، به‌ویژه والدین، بالاتر باشد، تأثیر مثبتی بر استحکام خانواده خواهد داشت. او معتقد است که تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی در جوامع پیشرفته، مسائل سیاسی جدیدی را به مرکز صحنه آورده و موجب تغییر معیارهای سعادت در جامعه شده است. این نظریه نشان‌دهنده رابطه‌ای بین توسعه اقتصادی و دگرگونی ارزشی است و بر این اساس، انتظار می‌رود که با جایگزینی نسل جدید، ارزش‌های فرامادی در جوامع بیشتر مورد توجه قرار گیرند.

نظریه دگرگونی ارزش اینگلهارت نشان می‌دهد که رسانه‌ها به عنوان ابزارهای انتقال اطلاعات و فرهنگ، نقش مهمی در تغییر اولویت‌های ارزشی از مادی به فرامادی ایفا می‌کنند و این تغییرات به‌ویژه در نسل‌های جوان‌تر مشهود است.

۳-۷. نظریه طبقات رفتاری مرتن

نظریه طبقات رفتاری مرتن بر تأثیر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در رفتار افراد تأکید دارد. او با استفاده از مفهوم آنومی، به تحلیل گسستگی میان اهداف فرهنگی و وسایل مشروع برای دستیابی به این اهداف می‌پردازد. مرتن دو بعد اصلی سیستم اجتماعی را مشخص می‌کند: اهداف و ارزش‌های فرهنگی که جامعه تبلیغ می‌کند و وسایل مشروع برای رسیدن به این اهداف که توسط ساختار اجتماعی تعیین می‌شود. به اعتقاد مرتن، زمانی که میان اهداف و وسایل مشروع تعارض وجود داشته باشد، احتمال رفتارهای کجروانه افزایش می‌یابد. او معتقد است که جوامع سرمایه‌داری مبتنی بر نابرابری هستند و فرصت‌های برابر برای دستیابی به اهداف فرهنگی در اختیار همه طبقات اجتماعی قرار نمی‌گیرد. این نابرابری‌ها باعث می‌شود برخی افراد از راه‌های نامشروع برای رسیدن به اهداف خود استفاده کنند. مرتن تأکید دارد که ساخت اجتماعی نمی‌تواند وسایل یکسانی را برای همه اعضای جامعه فراهم کند. در نتیجه، در جوامعی که تأکید زیادی بر ارزش‌های فرهنگی دارند اما ابزارهای مشروع برای دستیابی به این ارزش‌ها محدود است، احتمال بروز انحرافات اجتماعی بیشتر خواهد بود. این نظریه نشان می‌دهد که رفتارهای انحرافی نتیجه مستقیم فشارهای ساختاری در جامعه هستند (حاجیان مقدم، ۱۳۹۶، ۱۳۵).

نظریه طبقات رفتاری مرتن ارتباط نزدیکی با عوامل اقتصادی دارد، زیرا او معتقد است که فشارهای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند منجر به انحرافات رفتاری شود، به‌طوری‌که افراد در طبقات پایین‌تر به دلیل محدودیت‌های اقتصادی و عدم دسترسی به فرصت‌های برابر، ممکن است برای دستیابی به اهداف اجتماعی از روش‌های غیرقانونی استفاده کنند.

۳-۸. نظریه علقه اجتماعی هیرشی

نظریه علقه اجتماعی هیرشی بر این باور است که افرادی که وابستگی محکمی به گروه‌های اجتماعی مانند خانواده و مدرسه دارند، کمتر به رفتارهای بزهکارانه روی می‌آورند. هیرشی استدلال می‌کند که هرچه فرد احساس وابستگی بیشتری به خانواده و جامعه داشته باشد، احتمال کجروی او کاهش می‌یابد. همچنین، هرچه تعهدات اجتماعی فرد بیشتر باشد و در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی درگیرتر باشد، فرصت کمتری برای رفتارهای ناهنجار خواهد داشت. افرادی که به اصول اخلاقی پایبندند، کمتر از کسانی که چنین پایبندی ندارند، از

قوانین تخطی می‌کنند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰: ۵۰۱-۵۰۲). این نظریه با آموزه‌های اسلامی نیز همخوانی دارد؛ زیرا دین اسلام به اهمیت نهاد خانواده و ارتباطات خانوادگی تأکید می‌کند. امام علی (ع) نیز بر لزوم همراهی با جامعه تأکید کرده و جدا شدن از جمع را خطرناک می‌داند (نهج البلاغه، خ ۱۲۷). به طور کلی، نظریه علقه اجتماعی هیرشی نشان می‌دهد که پیوندهای اجتماعی قوی می‌توانند به عنوان عاملی مؤثر در جلوگیری از رفتارهای انحرافی عمل کنند و استحکام خانواده را تقویت نمایند.

نظریه علقه اجتماعی هیرشی ارتباط نزدیکی با عوامل عاطفی و روانشناختی دارد، زیرا او بر این باور است که پیوندهای عاطفی قوی با خانواده و جامعه می‌تواند احساس تعلق و مسئولیت را در فرد تقویت کند، که این امر به کاهش رفتارهای انحرافی و تقویت هنجارهای اجتماعی منجر می‌شود.

۳-۹. نظریه سرمایه اجتماعی کلمن

نظریه سرمایه اجتماعی کلمن بر اهمیت تعاملات اجتماعی و ارتباطات درون خانواده تأکید دارد و به بررسی عواملی می‌پردازد که منجر به بهبود سرمایه اجتماعی در خانواده و ارتقای وضعیت فرهنگی اجتماعی اعضای آن می‌شود. این سرمایه اجتماعی شامل زمان‌هایی است که والدین با یکدیگر و با فرزندانشان سپری می‌کنند و تعاملات والدین و کودکان را در بطن خانواده تشکیل می‌دهد. کلمن معتقد است که سرمایه اجتماعی درون خانواده شامل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و روابط بین والدین و فرزندان است که برای فرزندان، به ویژه در دوران جامعه‌پذیری، بسیار ارزشمند است. او بر این باور است که سرمایه اجتماعی متفاوت خانواده‌ها سطوح مختلفی از دسترسی به منابع را برای کودکان ایجاد می‌کند. عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی شامل حضور والدین (هر دو یا یکی)، تعداد فرزندان، ترکیب والدین، انتظارات مادران از آموزش فرزندان، تحرک خانواده و مشارکت در فعالیتهای مذهبی است. نتایج پژوهش‌های کلمن نشان می‌دهد که زمانی سرمایه اجتماعی بالا است که هر دو والد در خانه حضور داشته باشند و مادران به آموزش فرزندان توجه کنند. همچنین، وجود تحرک کم در خانواده و انسجام دینی بالا نیز از دیگر عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی است (حسن تبار، ۱۳۸۴: ۶۷-۶۶). وینتر نیز به نقل از کلمن بیان می‌کند که سرمایه اجتماعی درون خانواده از طریق

روابط قوی بین بچه‌ها و والدین، وابستگی به حضور پدر و توجه بزرگ‌ترها به بچه‌ها اندازه‌گیری می‌شود. این نظریه نشان‌دهنده اهمیت ارتباطات خانوادگی در شکل‌گیری سرمایه‌های اجتماعی و تأثیر آن بر رشد و توسعه فردی کودکان است. نظریه سرمایه اجتماعی کلان ارتباط نزدیکی با عوامل خانوادگی دارد، زیرا او بر این باور است که سرمایه اجتماعی درون خانواده، از طریق روابط عاطفی و تعاملات مثبت بین اعضای خانواده، به تقویت اعتماد و حمایت اجتماعی کمک می‌کند که این امر به بهبود کیفیت زندگی و موفقیت‌های اجتماعی فرزندان منجر می‌شود.

۳-۱۰. نظریه انتقال فرهنگی

نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با «دوستان ناباب» آموخته می‌شود. ادوین ساترلند (۱۹۳۹) معتقد است که رفتار انحرافی از طریق روابط اجتماعی با افراد خاص، مانند جنایتکاران، شکل می‌گیرد. او بیان می‌کند که برای تبدیل شدن به یک جنایتکار، فرد باید ابتدا یاد بگیرد که چگونه جنایت کند. فرایند یادگیری رفتار انحرافی شامل چهار مرحله است:

- ۱- رفتار انحرافی از طریق کنش متقابل اجتماعی با دیگران، به ویژه دوستان ناباب، آموخته می‌شود.
- ۲- یادگیری رفتار انحرافی شامل یادگیری تکنیک‌های ارتکاب جرم و انگیزه‌ها و گرایش‌های مناسب برای تبهکاری است.
- ۳- رفتار انحرافی فرد می‌تواند بر اساس «فراوانی، اولویت، دوام و شدت تماس» متفاوت باشد؛ هرچه سطح تماس فرد با گروه‌های تبهکار بیشتر باشد، احتمال کجروی افزایش می‌یابد.
- ۴- فرد به دلیل اینکه امکانات قانون‌شکنی بر محدودیت‌های آن غلبه کند، مجرم می‌شود (ستوده، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

نظریه انتقال فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و این فرآیند می‌تواند به شکل‌گیری هویت دینی و فرهنگی افراد کمک کند، به‌طوری که این انتقال در خانواده‌ها و از طریق آموزش و تعاملات اجتماعی صورت می‌گیرد.

با توجه به مبانی نظری، فرضیه‌های زیر طرح می‌شوند:

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین عوامل اعتقادی و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.
- ۲- بین عوامل عاطفی و روانشناختی و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.
- ۳- بین عوامل خانوادگی و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.
- ۴- بین عوامل اقتصادی و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.
- ۵- بین عوامل آموزشی و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.
- ۶- بین عوامل رسانه‌ای و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.

(جدول ۱) مدل نظری متغیرهای استحکام خانواده ایرانی

ابعاد استحکام خانواده ایرانی	ملاحظات نظری	جهت تأثیر
عوامل اعتقادی	دیدگاه شهید مطهری در زمینه دینداری، شناخت نیاز و آموزش و نظریه انتقال فرهنگی	مستقیم
عوامل عاطفی و روانشناختی	نظریه کنش متقابل نمادین و نظریه علقه اجتماعی هیرشی	مستقیم
عوامل خانوادگی	نظریه شبکه الیزابت بات و نظریه سرمایه اجتماعی کلمن	مستقیم
عوامل اقتصادی	نظریه مبادله و نظریه طبقات رفتاری مرتن	مستقیم
عوامل آموزشی	نظریه همسان همسری	مستقیم
عوامل رسانه‌ای	دگرگونی ارزش اینگلههارت	مستقیم

۴- روش تحقیق:

در مقاله حاضر، پژوهش به صورت پیمایشی طراحی شده است که هدف آن بررسی عوامل موثر بر استحکام خانواده ایرانی می‌باشد. برای گردآوری اطلاعات، از ابزاری به نام پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است که به منظور جمع‌آوری داده‌های مرتبط با متغیرهای تحقیق طراحی شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل خانواده‌هایی است که حداقل پنج سال زندگی مشترک در استان قم را تجربه کرده‌اند. این انتخاب به دلیل اهمیت تجربه طولانی مدت در روابط خانوادگی و تأثیر آن بر کیفیت زندگی مشترک صورت گرفته است. در راستای انتخاب نمونه، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک و طبقه‌ای بهره گرفته شده است. به این ترتیب، استان قم به پنج ناحیه جغرافیایی (شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) تقسیم‌بندی شده

و از هر ناحیه به صورت تصادفی نمونه‌گیری انجام شده است. این روش به ما این امکان را می‌دهد که نماینده‌ای از تمامی بخش‌های استان را در نظر بگیریم و از این طریق، تنوع فرهنگی و اجتماعی موجود در استان قم را بهتر منعکس کنیم. با توجه به اینکه جامعه آماری در این تحقیق نامحدود است (به دلیل تعداد زیاد خانواده‌ها در استان قم)، برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. بر اساس محاسبات انجام شده، تعداد ۴۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه نهایی انتخاب گردید. پس از تعیین حجم نمونه، پرسشنامه محقق ساخته به صورت تصادفی بین ۴۰۰ نفر از خانواده‌های ساکن در مناطق پنجگانه توزیع گردید. این فرآیند توزیع پرسشنامه به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند داده‌های لازم را برای تحلیل دقیق تر و معتبر تر متغیرهای تحقیق فراهم آورد. این روش شناسی پژوهش، با توجه به دقت و اعتبار بالای آن، می‌تواند نتایج قابل اعتمادی را ارائه دهد که می‌تواند به درک بهتر ابعاد مختلف زندگی خانوادگی در استان قم کمک کند.

الف) اعتبار و روایی:

در این پژوهش، برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شده است. به این منظور، پرسشنامه‌ای که توسط محقق طراحی شده به تعدادی از صاحب نظران و اساتید مرتبط ارائه گردید و از آن‌ها خواسته شد تا نظرات خود را در خصوص ارزیابی سوالات پژوهش بیان کنند. این فرآیند به محقق کمک کرد تا نقاط قوت و ضعف پرسش‌ها را شناسایی کند و اصلاحات لازم را اعمال نماید. برای سنجش پایایی ابزار تحقیق، از ضریب آلفای کرونباخ بهره‌برداری شد. در این راستا، محقق تعداد ۲۰ پرسشنامه را وارد نرم افزار SPSS نمود و خروجی آن نشان داد که برای تمامی متغیرهای تحقیق، ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰,۹۳۵ به دست آمده است. این مقدار بالای آلفای کرونباخ نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار سنجش می‌باشد و تأیید می‌کند که ابزار طراحی شده قادر است به طور مؤثر و دقیق متغیرهای مورد نظر را اندازه‌گیری کند. این مراحل در نهایت به تقویت اعتبار و دقت نتایج پژوهش کمک کرده و اطمینان حاصل می‌کند که داده‌های جمع‌آوری شده نمایانگر واقعیات موجود در جامعه آماری مورد مطالعه هستند.

۵- تعریف مفاهیم نظری و عملیاتی:

۵-۱. خانواده

خانواده در لغت به معنای خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند، فامیل، اهل خانه، اهل البیت، دودمان. (معین، جلد ۲، ۱۳۷۸: ۱۲۶)

خانواده در اصطلاح از خانواده مانند سایر مفاهیم جامعه‌شناسی، و با توجه به گوناگونی فرهنگ‌ها، تعاریف متعددی ارائه شده است که در ادامه به تعریف گیدنز اشاره می‌شود. گیدنز: خانواده مجموعه افرادی است که با ارتباطات خویشاوندی مستقیماً پیوند یافته‌اند، و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را به عهده دارند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۲۴).

۵-۲. استحکام

در لغت به معنی محکم شدن، استوار شدن و استواری خواستن است. از نظر اصطلاحی تعریف خاصی از استحکام ارائه نشده است اما با توجه به سیاق بحث حاضر، این مفهوم با مفهوم استحکام خانواده و تحکیم خانواده پیوند دارد. به این معنا که تحکیم خانواده زمانی استحکام یافته تلقی می‌شود که از نظر تمام عوامل اقتصادی، اعتقادی، عاطفی و روانشناختی، خانوادگی، آموزشی و رسانه‌ای از بهره‌مندی لازم برخوردار باشد تا بتواند در برابر تمام ناملایمات وارده مقاومت نماید.

از این رو، در تبیین بیشتر ابعاد این مفهوم باید گفت که استحکام یافتگی اساساً امری مربوط به داخل و خارج خانواده است و اگر از منابع بیرونی نیز استفاده شود، استفاده از این منابع نیز برای تقویت عناصر داخلی صورت می‌گیرد.

۵-۳. عوامل اعتقادی

تعریف نظری: عوامل اعتقادی به مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و اصولی اطلاق می‌شود که افراد در زندگی خود به آن‌ها پایبند هستند و بر رفتارها و تصمیمات آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این عوامل شامل اعتقادات مذهبی، فلسفی و اخلاقی هستند که شکل‌دهنده هویت فردی و اجتماعی افراد محسوب می‌شوند. در زمینه خانواده، عوامل اعتقادی می‌توانند شامل باورهایی درباره نقش‌ها و مسئولیت‌های خانوادگی، ارزش‌های مشترک، و اصول اخلاقی باشند که اعضای خانواده را در کنار یکدیگر نگه می‌دارند و بر تعاملات آن‌ها تأثیر می‌گذارند (مطهری، ۱۳۶۱، ۵۸).

تعریف عملیاتی: در این تحقیق که به بررسی استحکام خانواده می‌پردازیم، عوامل اعتقادی به صورت متغیرهای قابل اندازه‌گیری زیر بیان می‌شود.

- میزان پایبندی به اصول مذهبی: ارزیابی سطح تعهد اعضای خانواده به آداب و رسوم دینی.
- باور به نقش‌های خانوادگی: سنجش نگرش اعضای خانواده نسبت به نقش‌های سنتی یا مدرن در خانواده.
- ارزش‌های مشترک: بررسی میزان توافق اعضای خانواده بر سر ارزش‌ها و باورهای کلیدی مانند محبت، احترام و همکاری.
- تأثیر اعتقادات بر تصمیم‌گیری: تحلیل چگونگی تأثیر باورهای اعتقادی بر انتخاب‌های زندگی مشترک، تربیت فرزندان و حل تعارضات.

عوامل اعتقادی می‌توانند نقش مهمی در استحکام خانواده ایفا کنند، زیرا باورها و ارزش‌های مشترک موجب تقویت پیوندهای عاطفی و اجتماعی میان اعضای خانواده می‌شوند. برای سنجش تأثیر عوامل اعتقادی از ۶ سوال در پرسشنامه استفاده شده است از سوال ۱ الی ۶ را شامل می‌شود. که در پیوست قابل مشاهده می‌باشد.

۵-۴. عوامل عاطفی و روان‌شناختی

تعریف نظری: عوامل عاطفی و روان‌شناختی به مجموعه‌ای از احساسات، نگرش‌ها و ویژگی‌های روانی اشاره دارد که بر رفتارها و تعاملات افراد تأثیر می‌گذارد. این عوامل شامل احساسات مثبت و منفی، توانایی‌های ارتباطی، مهارت‌های حل تعارض، و سبک‌های دلبستگی هستند. در زمینه خانواده، عوامل عاطفی و روان‌شناختی می‌توانند بر کیفیت ارتباطات میان اعضای خانواده تأثیر بگذارند و نقش مهمی در استحکام خانواده ایفا کنند. به عنوان مثال، احساسات مثبت مانند عشق و محبت می‌توانند پیوندهای عاطفی را تقویت کنند، در حالی که احساسات منفی مانند خشم و ناامیدی ممکن است منجر به تعارض و تنش در روابط خانوادگی شوند (آزادارمکی، ۱۳۸۶، ۱۲۳).

تعریف عملیاتی: عوامل عاطفی و روان‌شناختی به صورت متغیرهای قابل اندازه‌گیری زیر بیان می‌شود:

میزان ابراز عواطف: ارزیابی توانایی اعضای خانواده در ابراز احساسات مثبت و منفی نسبت به یکدیگر.

مهارت‌های حل تعارض: سنجش توانایی اعضای خانواده در مدیریت و حل مشکلات و تعارضات.

سبک دلبستگی: بررسی نوع دلبستگی اعضای خانواده به یکدیگر (مانند دلبستگی ایمن یا ناایمن) که می‌تواند بر کیفیت روابط تأثیر بگذارد.

احساس رضایت زناشویی: تحلیل میزان رضایت اعضای خانواده از زندگی مشترک و ارتباطات عاطفی.

عوامل عاطفی و روان‌شناختی می‌توانند تأثیر بسزایی بر استحکام خانواده داشته باشند، زیرا روابط عاطفی مثبت و مهارت‌های روان‌شناختی قوی می‌توانند به تقویت پیوندهای خانوادگی کمک کنند. برای سنجش تأثیر عوامل عاطفی و روان‌شناختی از ۹ سوال در پرسشنامه استفاده شده است که از سوال ۷ الی ۱۵ را شامل می‌شود.

۵-۵. عوامل خانوادگی

تعریف نظری: عوامل خانوادگی به مجموعه‌ای از ساختارها، تعاملات و فرایندهایی اشاره دارد که درون یک خانواده رخ می‌دهند و بر کیفیت روابط، انسجام و پایداری آن تأثیر می‌گذارند. این عوامل شامل نقش‌های خانوادگی، سبک‌های ارتباطی، هنجارها، ارزش‌های مشترک، تقسیم وظایف و مکانیسم‌های حل تعارض می‌شوند. از دیدگاه نظری، این عوامل می‌توانند هم موجب تقویت پیوندهای عاطفی و همکاری در خانواده شوند و هم در صورت ناسازگاری، به تضعیف استحکام خانواده منجر گردند (آزادارمکی، ۱۳۸۶، ۱۲۵).

تعریف عملیاتی: عوامل خانوادگی به صورت متغیرهای قابل سنجش زیر می‌باشد که عبارتند از:

- کیفیت ارتباطات: ارزیابی میزان گفتگوی سازنده، گوش دادن فعال و بیان احساسات بین اعضای خانواده (با استفاده از ابزارهایی مانند).
- تقسیم وظایف: سنجش توافق اعضا درباره تقسیم مسئولیت‌های مالی، تربیتی و خانه‌داری (بر اساس شاخص‌هایی مانند عدالت در تقسیم کار).

- حمایت عاطفی: اندازه گیری میزان حمایت های عاطفی و روانی اعضا از یکدیگر در شرایط بحرانی (با مقیاس هایی مانند حمایت اجتماعی ادراک شده).
 - حل تعارضات: بررسی روش های مورد استفاده برای مدیریت اختلافات (مانند گفتگو یا مصالحه) و تأثیر آن بر انسجام خانواده.
- عوامل خانوادگی به عنوان ستون اصلی استحکام خانواده شناخته می شوند. ارتباطات مؤثر و تقسیم عادلانه وظایف می توانند حس امنیت و اعتماد را در خانواده تقویت کنند. در مقابل، عواملی مانند خشونت یا تبعیض میان فرزندان ممکن است به کاهش انسجام خانوادگی و افزایش تعارضات منجر شود. این عوامل نه تنها بر روابط درون خانوادگی بلکه بر عملکرد اجتماعی و روانی اعضا نیز تأثیر مستقیم دارند. برای سنجش تأثیر عوامل عاطفی و روان شناختی از ۸ سوال در پرسشنامه استفاده شده است که از سوال ۱۶ الی ۲۳ را شامل می شود.

۵-۶. عوامل اقتصادی

تعریف نظری: عوامل اقتصادی به مجموعه ای از شرایط مالی، منابع درآمدی، و الگوهای مصرف اشاره دارد که بر زندگی خانوادگی و روابط بین اعضای خانواده تأثیر می گذارد. این عوامل شامل سطح درآمد، اشتغال، هزینه های زندگی و دسترسی به منابع مالی است. از دیدگاه نظری، وضعیت اقتصادی خانواده می تواند به طور مستقیم بر استحکام خانواده تأثیر بگذارد، زیرا تأمین نیازهای اولیه و رفاه اعضا بستگی به منابع مالی دارد. مشکلات اقتصادی مانند بیکاری یا کاهش درآمد می توانند منجر به افزایش تنش های خانوادگی شوند و کیفیت روابط را کاهش دهند (چلبی، ۱۳۸۵، ۹۵).

تعریف عملیاتی: عوامل اقتصادی به صورت متغیرهای قابل سنجش زیر بیان می شود:

سطح درآمد خانوار: ارزیابی میزان درآمد ماهانه یا سالانه خانواده برای تأمین نیازهای اساسی.

وضعیت اشتغال: بررسی وضعیت شغلی اعضای خانواده (اشتغال کامل، نیمه وقت یا بیکاری) و تأثیر آن بر پایداری اقتصادی خانواده.

هزینه های زندگی: تحلیل هزینه های ماهانه خانواده در زمینه هایی مانند مسکن، خوراک، آموزش و سلامت.

دسترسی به منابع مالی: سنجش امکان استفاده از خدمات بانکی، وام‌ها یا حمایت‌های مالی دولتی

عوامل اقتصادی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر استحکام خانواده هستند. درآمد کافی می‌تواند به تأمین نیازهای اولیه اعضای خانواده کمک کرده و احساس امنیت روانی و اجتماعی را تقویت کند. در مقابل، مشکلات مالی مانند بیکاری یا افزایش هزینه‌های زندگی ممکن است منجر به افزایش تعارضات خانوادگی و کاهش رضایت زناشویی شود. برای سنجش تأثیر عوامل اقتصادی از ۵ سوال در پرسشنامه استفاده شده است که از سوال ۲۴ الی ۲۸ را شامل می‌شود.

۵-۷. عوامل آموزشی

تعریف نظیری: عوامل آموزشی به مجموعه‌ای از فرآیندها، محتواها و روش‌های یادگیری اشاره دارد که بر تربیت و رشد فردی اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد. این عوامل شامل آموزش‌های رسمی (مانند مدرسه و دانشگاه)، آموزش‌های غیررسمی (مانند دوره‌های مهارتی و کارگاه‌ها) و نیز آموزش‌های خانوادگی (آموزش‌هایی که والدین به فرزندان خود می‌دهند) هستند. از دیدگاه نظری، آموزش در خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه شخصیت و رفتار فرزندان شناخته می‌شود و تأثیر مستقیمی بر موفقیت تحصیلی و اجتماعی آن‌ها دارد (سلحشور، ۱۳۷۹، ۷۹؛ طالب‌زاده نوبریان، ۱۳۸۵، ۱۳۱).

تعریف عملیاتی: عوامل آموزشی به صورت متغیرهای قابل اندازه‌گیری شامل موارد زیر می‌باشند: سطح تحصیلات والدین: ارزیابی میزان تحصیلات والدین و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی فرزندان.

نوع آموزش‌های ارائه‌شده: بررسی نوع آموزش‌هایی که والدین به فرزندان خود ارائه می‌دهند (آموزش‌های رسمی، غیررسمی یا مهارتی).

میزان مشارکت والدین در تحصیل فرزندان: سنجش میزان توجه و حمایت والدین از فعالیت‌های تحصیلی فرزندان (مانند کمک در انجام تکالیف یا حضور در جلسات اولیا).

دسترسی به منابع آموزشی: تحلیل دسترسی خانواده به کتابخانه‌ها، اینترنت و سایر منابع آموزشی که می‌تواند بر یادگیری فرزندان تأثیر بگذارد.

عوامل آموزشی به عنوان یکی از ارکان اصلی استحکام خانواده شناخته می‌شوند. برای مثال، آموزش مناسب و مشارکت فعال والدین در فرآیند یادگیری فرزندان می‌تواند به تقویت اعتماد به نفس و احساس امنیت روانی آن‌ها کمک کند. در مقابل، عدم توجه به آموزش‌های لازم ممکن است منجر به افت تحصیلی و مشکلات رفتاری شود این عوامل نه تنها بر روابط درون خانوادگی بلکه بر عملکرد اجتماعی و اقتصادی اعضا نیز تأثیر مستقیم دارند. برای سنجش تأثیر عوامل آموزشی از ۵ سوال در پرسشنامه استفاده شده است که از سوال ۲۹ الی ۳۳ را شامل می‌شود.

۵-۸. عوامل رسانه‌ای

تعریف نظری: عوامل رسانه‌ای به مجموعه‌ای از تأثیرات و محتوای تولید شده توسط رسانه‌ها اشاره دارد که بر ادراکات، رفتارها و نگرش‌های افراد تأثیر می‌گذارد. این عوامل شامل نوع رسانه (مانند تلویزیون، رادیو، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی)، محتوای ارائه‌شده، و نحوه ارائه اطلاعات هستند. از دیدگاه نظری، رسانه‌ها به عنوان ابزارهایی برای انتقال اطلاعات و شکل‌دهی به افکار عمومی شناخته می‌شوند و نقش مهمی در تعیین اولویت‌های اجتماعی و فرهنگی دارند (محسنی تبریزی و همکاران، ۱۳۷۰، ۷۸). به طور خاص، رسانه‌ها می‌توانند بر نحوه تفکر مردم درباره موضوعات مختلف تأثیر بگذارند و از این طریق به تغییر نگرش‌ها و رفتارها منجر شوند. تعریف عملیاتی: عوامل رسانه‌ای به صورت متغیرهای قابل اندازه‌گیری شامل موارد زیر می‌باشند: نوع رسانه: ارزیابی نوع رسانه‌هایی که اعضای خانواده بیشتر از آن‌ها استفاده می‌کنند (مانند تلویزیون، اینترنت یا شبکه‌های اجتماعی).

محتوای رسانه: بررسی نوع محتوایی که در رسانه‌ها منتشر می‌شود (مثلاً اخبار، سرگرمی، آموزش).

میزان مصرف رسانه: سنجش زمان صرف شده توسط اعضای خانواده در استفاده از رسانه‌های مختلف.

تأثیرات روانی: تحلیل تأثیرات مثبت یا منفی محتوای رسانه بر رفتارها و نگرش‌های اعضای خانواده

عوامل رسانه‌ای به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در شکل‌دهی به روابط خانوادگی شناخته می‌شوند. محتوای مثبت و آموزنده در رسانه‌ها می‌تواند به تقویت ارزش‌های خانوادگی کمک کند، در حالی که محتوای منفی یا ترویج‌دهنده رفتارهای نادرست ممکن است منجر به کاهش انسجام خانوادگی شود. همچنین، میزان مصرف رسانه‌ها می‌تواند بر زمان کیفیت تعاملات خانوادگی تأثیر بگذارد و در نتیجه بر استحکام روابط میان اعضا اثرگذار باشد. برای سنجش تأثیر عوامل آموزشی از ۶ سوال در پرسشنامه استفاده شده است که از سوال ۳۴ الی ۳۹ را شامل می‌شود.

۶- یافته‌ها و تحلیل:

۶-۱. سن پاسخگویان

در این قسمت به توصیف داده‌های مربوط به ویژگی‌های شخصی پاسخگویان نمونه مورد بررسی پرداخته می‌شود.

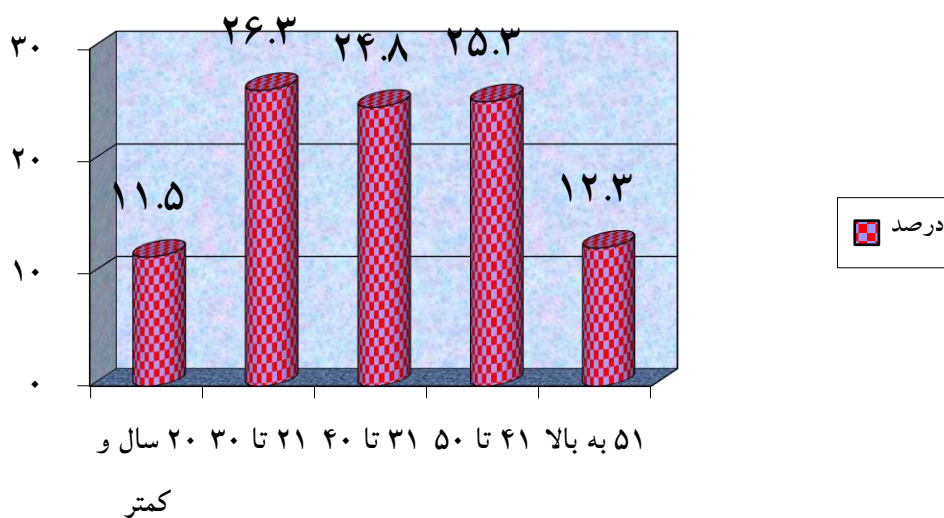
(جدول ۲) توزیع فراوانی سن پاسخ‌دهندگان

سن	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۲۰ سال و کمتر	۴۶	۱۱,۵	۱۱,۵
۲۱ تا ۳۰	۱۰۵	۲۶,۳	۳۷,۸
۳۱ تا ۴۰	۹۹	۲۴,۸	۶۲,۴
۴۱ تا ۵۰	۱۰۱	۲۵,۳	۸۷,۷
۵۱ سال به بالا	۴۹	۱۲,۳	۱۰۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰	

همانطور که در جدول ۲ نشان داده شده است، بیشترین فراوانی با تعداد ۱۰۵ نفر و ۲۶,۳ درصد، مربوط به سنین ۲۱-۳۰ سال و کمترین فراوانی با تعداد ۴۶ نفر، ۱۱,۵ درصد به ۲۰ سال و کمتر تعلق دارد. سنین ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۴,۸ درصد پاسخگویان را شامل می‌شود. در مجموع اکثریت پاسخگویان بین سنین ۲۱ تا ۵۰ سال می‌باشند.

(نمودار ۱) توزیع فراوانی سن پاسخ‌دهندگان

متغیرهای مورد مطالعه	شماره سوالات مربوطه	میانگین	انحراف معیار	واریانس
عوامل اعتقادی	۶-۱	۳,۸۲	۰,۷۱	۰,۵۱
عوامل عاطفی و روانشناختی	۱۵-۷	۳,۵۹	۰,۶۷	۰,۴۴
عوامل خانوادگی	۲۳-۱۶	۳,۴۱	۰,۶۸	۰,۴۶
عوامل اقتصادی	۲۸-۲۴	۳,۸۶	۰,۷۲	۰,۵۲
عوامل آموزشی	۳۳-۲۹	۳,۳۳	۰,۶۶	۰,۴۴
عوامل رسانه‌ای	۳۹-۳۴	۳,۸۰	۰,۷۲	۰,۵۲
ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی	۳۹-۱	۳,۶۴	۰,۶	۰,۳۶



۲-۶. سوالات پشتیبانی کننده:

(جدول ۳) سوالات پشتیبانی کننده مربوط به هر یک از ابعاد استحکام خانواده ایرانی

براساس اطلاعات جدول ۳ بیشترین میانگین متغیرهای بررسی شده مربوط به متغیر عوامل اقتصادی (۳,۸۶) و بعد از آن عوامل اعتقادی (۳,۸۲) می باشد و سپس به متغیر عوامل رسانه ای (۳,۸۰) و بعد از آن به متغیر عوامل عاطفی و روانشناختی (۳,۵۹) و بعد از آن به متغیر عوامل خانوادگی (۳,۴۱) تعلق دارد و در نهایت متغیر آموزشی (۳,۳۳) که نشان دهنده اهمیت متغیرها در نظر پاسخگویان می باشد.

۳-۶. ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی

(جدول ۴) توزیع نظر پاسخگویان در خصوص ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی

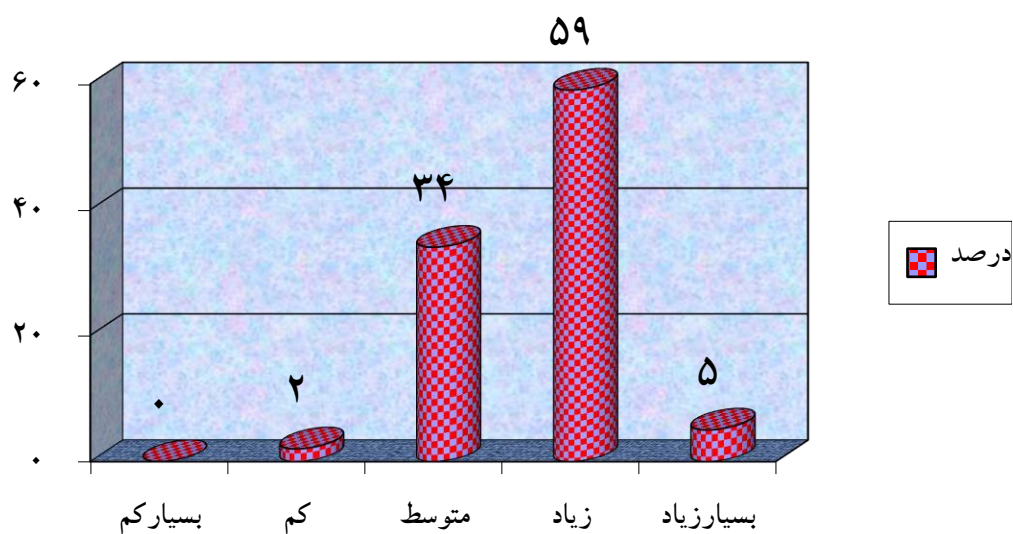
جوابها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار کم	۰	۰	۰
کم	۸	۲	۲
متوسط	۱۳۶	۳۴	۳۶
زیاد	۲۳۶	۵۹	۹۵
بسیار زیاد	۲۰	۵	۱۰۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰	
میانگین: ۳,۶۷	انحراف استاندارد: ۰,۶۰	واریانس: ۰,۳۶	

اطلاعات مندرج در جدول ۴ و نمودار ۲، حاکی از آن است که اکثریت پاسخگویان نمونه (۶۴ درصد)، ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی را بسیار زیاد و زیاد ارزیابی کرده اند. ۲۰ درصد از پاسخگویان ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی را متوسط ارزیابی کرده اند که رقم قابل توجهی می باشد و به آن نیز باید توجه نمود. ۲ درصد از پاسخگویان ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی را کم و بسیار کم ارزیابی کرده اند که رقم قابل توجهی نمی باشد و می توان از آن صرف نظر نمود.

متغیر ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی بین پاسخگویان از ۱ تا ۵ امتیاز گرفته است. میانگین این متغیر بین گروه نمونه ۳,۶۷ می باشد. یعنی بیش از نیمی از پاسخگویان نمره بیش از میانگین فرضی ۳ دریافت کرده اند.

در مجموع در این تحقیق، عوامل موثر بر استحکام خانواده ایرانی که در مجموع استحکام خانواده ایرانی را در بر می گیرد خوب ارزیابی گردید و این نشان دهنده این است که عوامل موثر بر استحکام خانواده ایرانی خوب انتخاب شده است. و طبق اطلاعات به دست آمده از جدول شاخص های موثر بر استحکام خانواده از اهمیت بالایی برخوردار می باشد.

(نمودار ۲) توزیع نظر پاسخگویان در خصوص ارزیابی کلی استحکام خانواده ایرانی



۴-۶. آزمون فرضیات تحقیق بر اساس نتایج آزمون همبستگی

فرضیه های تحقیق: بین متغیرهای مستقل تحقیق و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل تحقیق و استحکام خانواده ایرانی فرضیه آماری زیر مورد آزمون قرار می گیرد:

H۰: بین متغیرهای مستقل تحقیق و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود ندارد.

H۱: بین متغیرهای مستقل تحقیق و استحکام خانواده ایرانی ارتباط وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه آماری به شرح جدول زیر است:

(جدول ۵) نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق و استحکام خانواده ایرانی (منبع:

یافته‌های تحقیق)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی
عوامل اعتقادی	استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۶۰۹
عوامل عاطفی و روانشناختی	استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۷۶۳
عوامل خانوادگی	استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۷۴۸
عوامل اقتصادی	استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۵۵۵
عوامل آموزشی	استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۵۷۴
عوامل رسانه‌ای	استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۶۷۸

نتایج آزمون همبستگی جدول ۵ برای تمام ۶ فرضیات انجام شده و بین متغیرهای مستقل تحقیق (عوامل اعتقادی، عوامل عاطفی و روانشناختی، عوامل خانوادگی، عوامل اقتصادی، عوامل آموزشی، عوامل رسانه‌ای) و متغیر وابسته (استحکام خانواده ایرانی) نشان می‌دهد که بین تمام این متغیرها در سطح خطای ۰۰۵/ همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب به دست آمده حاکی از شدت همبستگی تمام متغیرهای مذکور است. بدین ترتیب فرض H۱

مبنی بر اینکه بین متغیرهای مستقل تحقیق و استحکام خانواده ایرانی، ارتباط معنی داری وجود دارد مورد تایید قرار می گیرد.

۵-۶. تحلیل رگرسیون چند متغیره

در تحقیق حاضر برآنیم تا تأثیر علی و همزمان متغیرهای مستقل یا تأثیرگذار را بر روی متغیر وابسته مشخص کنیم، به همین منظور از رگرسیون چند متغیره استفاده می کنیم. رگرسیون چند متغیره بر این اصل استوار است که هر چه بیشتر درباره فرد یا جامعه ای بدانیم، با دقت بیشتری می توانیم خصوصیات دیگر او را حدس بزنیم. کاربرد تحلیل رگرسیون چند متغیره مستلزم دقت و ملاحظات خاصی است. این تکنیک بر مفروضات آماری مختلفی استوار است و فقط برای انواع خاصی از روابط بین متغیرها قابل اعمال است. به طور کلی در این روش با اطلاعاتی که از یک رشته متغیر مستقل وجود دارد، مقادیر متغیر وابسته را پیش بینی می کنند. رگرسیون چند متغیره دارای روش های مختلفی است. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش Enter می باشد.

۵-۶-۱. تحلیل رگرسیون استحکام خانواده ایرانی (متغیر وابسته تحقیق)

برای انجام تحلیل رگرسیونی استحکام خانواده ایرانی، تمامی متغیرهای مستقل به برنامه رگرسیونی معرفی شدند. از مجموع ۶ متغیر معرفی شده به برنامه رگرسیونی از طریق روش Enter، تمامی چهارده متغیر، به خاطر ضریب تأثیر رگرسیونی به معادله وارد شدند که در زیر به توضیح و تفسیر آنها و تأثیرگذاری آنها بر متغیر وابسته پرداخته می شود:

(جدول ۶) میزان تبیین متغیر وابسته (استحکام خانواده ایرانی) توسط متغیرهای باقیمانده در معادله رگرسیون

مدل	R	R ²	Adjust R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰,۷۹۶	۰,۶۳۴	۰,۳۹۲	۰,۶۹۴۲۷

بر اساس آنچه که در جدول ۶ به تصویر کشیده شده است، مقدار ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره ($R = ۰/۷۹۶$) بیانگر همبستگی شدید مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است.

مقدار ضریب تعیین ($R^2 = ۰/۶۳۴$) بیان کننده تبیین نسبت بالاتر از متوسطی از واریانس متغیر وابسته، توسط چهارده متغیر مستقل تحقیق است؛ یعنی با ورود همه متغیرهای عوامل اعتقادی، عوامل عاطفی و روانشناختی، عوامل خانوادگی، عوامل اقتصادی، عوامل آموزشی و عوامل رسانه‌ای حدود ۶۳ درصد از تغییر پذیری استحکام خانواده ایرانی توسط این عوامل تبیین می‌شود.

(جدول ۷) تحلیل واریانس برای معنی‌داری مدل

مدل	مجموع مجذور	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	Sig
۱ رگرسیون	۱۲۷,۰۰۷	۶	۲۱,۱۶۸	۴۳,۹۱۵	.۰۰۰
باقیمانده	۱۸۹,۴۳۱	۳۹۳	۰,۰۶۵		
جمع	۳۱۶,۴۳۸	۳۹۹			

مطابق جدول ۷، مقدار آزمون فیشر ($F = ۱۳۰,۲۱۷$) که در سطح کاملاً معناداری قرار دارد ($p < ۰.۰۵$)، بیانگر رابطه معنادار متغیر وابسته (سنجش استحکام خانواده) با مجموعه متغیرهای باقی‌مانده در معادله است.

(جدول ۸) رگرسیون چندمتغیره برای شناسایی (پیش‌بینی) عوامل مؤثر بر سنجش استحکام خانواده

ایرانی

عنوان متغیر	B	SEB	Beta	T	Sig
عوامل اعتقادی	.۲۰۳	.۰۴۵	.۱۹۷	۴,۵۳۱	.۰۰۰
عوامل عاطفی و روانشناختی	.۰۰۸	.۰۳۸	.۰۰۹	۰,۲۰۹	.۰۰۰
عوامل خانوادگی	.۰۱۲	.۰۳۹	.۰۱۴	۰,۳۰۰	.۰۰۰
عوامل اقتصادی	.۴۱۲	.۰۴۰	.۴۴۸	۱۰,۴۲۸	.۰۰۵
عوامل آموزشی	.۰۱۰	.۰۳۶	.۰۱۲	۰,۲۶۸	.۰۰۷

عوامل رسانه ای	۰.۱۴۲	۰.۳۷	۰.۱۷۲	۳,۸۰۷	۰.۰۰۰
عدد ثابت (Constant)	۰,۸۸۴	۰,۲۳۰		۳,۸۴۳	۰,۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۸ و شکل ۱ مشخص است، متغیر «عوامل اقتصادی» بالاترین تأثیر را بر استحکام خانواده دارد (با ضریب ۰,۴۴۸). این نتیجه نشان‌دهنده این است که استحکام خانواده به شدت تحت تأثیر این عوامل قرار دارد که خود به عنوان یکی از ویژگی‌های کلیدی یک خانواده مستحکم شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، با افزایش هر واحد در عوامل اقتصادی، استحکام خانواده به میزان ۰,۴۴۸ واحد افزایش خواهد یافت.

دومین متغیر مؤثر در این تحقیق «عوامل اعتقادی» است که ضریب ۰,۱۹۷ را داراست. این نشان می‌دهد که هر چه اعضای خانواده بیشتر به رعایت شاخص‌ها و معیارهای اعتقادی توجه کنند، تأثیر بیشتری بر استحکام خانواده خواهند داشت. بنابراین، با افزایش هر واحد در عوامل اعتقادی، استحکام خانواده به میزان ۰,۱۹۷ واحد تقویت می‌شود.

سومین متغیر وارد شده در معادله «عوامل رسانه ای» است که ضریب تأثیر رگرسیون استاندارد شده آن برابر با ۰,۱۷۲ می‌باشد. این نتیجه نشان‌دهنده این است که با افزایش هر واحد در عوامل رسانه ای، استحکام خانواده به میزان ۰,۱۷۲ واحد افزایش خواهد یافت.

چهارمین متغیر «عوامل خانوادگی» است که ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده آن برابر با ۰,۰۱۴ می‌باشد. این بدان معناست که اگر زوجین به عوامل خانوادگی توجه بیشتری داشته باشند، در ادامه زندگی از استحکام بیشتری برخوردار خواهند بود. لذا با افزایش هر واحد در عوامل خانوادگی، استحکام خانواده به میزان ۰,۰۱۴ واحد افزایش خواهد یافت.

پنجمین متغیر مؤثر «عوامل آموزشی» است که ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده آن برابر با ۰,۰۱۲ می‌باشد. این نتیجه نشان می‌دهد که هر چه زوجین و اعضای خانواده به عوامل آموزشی یکدیگر توجه بیشتری داشته باشند، در ادامه زندگی از استحکام بیشتری برخوردار خواهند بود. بنابراین، با افزایش هر واحد در عوامل آموزشی، استحکام خانواده نیز به میزان ۰,۰۱۲ واحد تقویت خواهد شد.

ششمین متغیر «عوامل عاطفی و روانشناختی» با ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده برابر با ۰,۰۰۹ وارد معادله شده است. این بدان معناست که اگر زوجین و فرزندان شناخت بیشتری نسبت به عوامل عاطفی و روانشناختی داشته باشند، در ادامه زندگی از استحکام بیشتری برخوردار خواهند بود. لذا با افزایش هر واحد در عوامل عاطفی و روانشناختی، استحکام خانواده به میزان ۰,۰۰۹ واحد افزایش خواهد یافت.

همان‌طور که در خروجی جدول شماره ۸ مشاهده می‌شود، متغیرهای اقتصادی، اعتقادی و رسانه ای تأثیر مستقیم بر استحکام خانواده دارند و در سطح معنی‌داری ($P < 0.05$) معنادار هستند. همچنین برخی از عوامل مانند خانوادگی، عاطفی و روانشناختی و آموزشی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر استحکام خانواده دارند که برای جلوگیری از ازدحام اطلاعات از ارائه ادامه جداول رگرسیون خودداری شده است.

(نمودار ۳) مدل تحلیل رگرسیون تأثیرات متغیرهای مستقل بر استحکام خانواده ایرانی



با توجه به نتایج نمودار ۳ می‌توان گفت که عوامل اقتصادی، اعتقادی و رسانه ای بر روی استحکام خانواده بصورت مستقیم تأثیر گذارند.

۷- بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی تأثیر شش عامل کلیدی بر استحکام خانواده پرداخته است: عوامل اعتقادی، عاطفی و روان‌شناختی، خانوادگی، اقتصادی، آموزشی و رسانه‌ای. برای تحلیل این موضوع، شش فرضیه تدوین و مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که تمامی فرضیه‌ها تأیید شده‌اند، که این امر بیانگر اهمیت و تأثیر قابل توجه هر یک از این عوامل در تقویت استحکام خانواده است. تحلیل فرضیه‌های تحقیق حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل (شش عامل مورد بررسی) و متغیر وابسته (استحکام خانواده ایرانی) ارتباط معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون ($R=0.796$) نشان‌دهنده شدت بالای رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته است. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که مقدار ضریب تعیین ($R^2=0.634$) بیانگر آن است که ۶۳ درصد از تغییرات مربوط به استحکام خانواده ایرانی توسط این شش عامل تبیین می‌شود. به عبارت دیگر، ورود تمامی متغیرهای اعتقادی، عاطفی و روان‌شناختی، خانوادگی، اقتصادی، آموزشی و رسانه‌ای به مدل رگرسیون، بخش قابل توجهی از تغییرپذیری در استحکام خانواده را توضیح می‌دهد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ۳۷ درصد باقی‌مانده از تغییرات در استحکام خانواده ایرانی به عوامل دیگری وابسته است که در این پژوهش مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. بنابراین، شناسایی و تحلیل این عوامل در تحقیقات آتی ضروری به نظر می‌رسد تا بتوان تصویری جامع‌تر از متغیرهای مؤثر بر استحکام خانواده ارائه داد. این عوامل نه تنها به‌طور مستقل بلکه در تعامل با نظریات مختلف جامعه‌شناختی می‌توانند بر کیفیت روابط خانوادگی و در نهایت بر استحکام خانواده تأثیرگذار باشند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که عوامل اعتقادی به‌عنوان بنیادی‌ترین عناصر در ساختار خانواده شناخته می‌شوند. بر اساس نظریه نیاز شهید مطهری، نیازهای معنوی و اعتقادی افراد می‌تواند به تقویت پیوندهای عاطفی و اجتماعی در خانواده کمک کند. این نیازها موجب ایجاد حس تعلق و همبستگی میان اعضای خانواده می‌شود و در مواجهه با چالش‌ها، آن‌ها را متحد می‌سازد. اعتقادات مشترک می‌تواند به عنوان یک منبع قدرت عمل کنند که اعضای خانواده را در برابر فشارهای بیرونی حمایت می‌کند.

بر اساس پژوهش انجام شده، عوامل عاطفی و روان‌شناختی نقش بسزایی در کیفیت روابط خانوادگی ایفا می‌کنند. نظریه کنش متقابل نمادین تأکید دارد که معانی موجود در تعاملات اجتماعی بر رفتارها تأثیر می‌گذارند. ابراز احساسات مثبت و توانایی مدیریت تعارضات در خانواده به تقویت روابط عاطفی کمک کرده و موجب افزایش استحکام خانواده می‌شود. تعاملات عاطفی مثبت و ارتباطات مؤثر، احساس امنیت روانی را در اعضای خانواده تقویت کرده و زمینه‌ساز روابط سالم‌تر بین آن‌ها می‌شود.

با توجه به بررسی انجام شده، عوامل خانوادگی شامل ساختارها و فرآیندهای درون خانواده هستند که بر کیفیت روابط تأثیر گذارند. نظریه شبکه به ارتباطات بین اعضای خانواده و شبکه‌های خویشاوندی اشاره دارد. هرچه این شبکه‌ها متراکم‌تر باشند، حمایت اجتماعی بیشتری از زوجین فراهم می‌شود که این امر به افزایش انسجام خانوادگی منجر می‌شود. ارتباطات قوی میان اعضای خانواده و خویشاوندان می‌تواند به ایجاد حس تعلق و حمایت عاطفی کمک کند که از بروز تنش‌ها جلوگیری می‌کند.

کما اینکه وضعیت اقتصادی خانواده به عنوان یکی از عوامل کلیدی در استحکام خانواده شناخته می‌شود. نظریه مبادله بیان می‌کند که افراد در روابط خود بر اساس سود و زیان عمل می‌کنند. بنابراین، اگر اعضای خانواده احساس کنند که وضعیت اقتصادی آن‌ها به نفعشان نیست، ممکن است تصمیم به جدایی یا کاهش تعاملات بگیرند. فشارهای مالی نه تنها بر روی کیفیت زندگی تأثیر گذار است بلکه می‌تواند منجر به افزایش تنش‌ها و تعارضات خانوادگی شود.

نتایج پژوهش حاضر بیانگر این است که آموزش نقش مهمی در توسعه فردی و اجتماعی اعضای خانواده دارد. نظریه همسان همسری نشان می‌دهد که وجود شباهت‌های آموزشی و فرهنگی میان زوجین می‌تواند به افزایش رضایت زناشویی و پایداری خانواده کمک کند. همچنین، مشارکت والدین در آموزش فرزندان نیز بر رشد شخصیت آن‌ها تأثیر مثبت خواهد گذاشت. آموزش‌های مناسب نه تنها مهارت‌های فردی را تقویت می‌کند بلکه به ایجاد ارزش‌های مشترک نیز کمک می‌کند.

همانطوری که اثبات شد که عوامل رسانه‌ای به عنوان ابزارهای قدرتمند انتقال اطلاعات می‌توانند بر نگرش‌ها و رفتارهای افراد تأثیر بگذارند. نظریه دگرگونی ارزش اینگلهارت نشان می‌دهد که

تغییرات فرهنگی ناشی از رسانه‌ها می‌تواند ارزش‌های خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد. محتوای مثبت رسانه‌ای قادر است ارزش‌های خانوادگی را تقویت کند، در حالی که محتوای منفی ممکن است منجر به کاهش انسجام خانوادگی شود. بنابراین، رسانه‌ها باید مسئولیت اجتماعی خود را در ترویج ارزش‌های مثبت خانوادگی جدی بگیرند.

بنابراین شش عامل (اعتقادی، عاطفی و روان‌شناختی، خانوادگی، اقتصادی، آموزشی و رسانه‌ای) به‌طور متقابل با نظریات مختلف جامعه‌شناختی ارتباط دارند و بر استحکام خانواده تأثیر دارند. توجه همزمان به این عوامل و نظریات مرتبط با آن‌ها می‌تواند به تقویت روابط خانوادگی کمک کرده و زمینه‌ساز ایجاد خانواده‌هایی پایدارتر باشد. با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه معاصر، ضروری است که پژوهشگران آینده با بهره‌گیری از این مفاهیم و نظریات بتوانند راهکارهای عملی برای ارتقاء استحکام خانواده ارائه دهند. همچنین، توجه به چالش‌های جدید مانند فناوری‌های نوین ارتباطی، تغییرات سبک زندگی و بحران‌های اقتصادی باید مد نظر قرار گیرد تا بتوان راهکارهایی جامع برای حفظ بنیان خانواده ارائه داد. این نتیجه‌گیری نشان‌دهنده اهمیت یکپارچگی میان عوامل مختلف مؤثر بر استحکام خانواده است که باید در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجتماعی لحاظ گردد تا بتواند پاسخگوی نیازهای واقعی جامعه باشد.

۸- پیشنهادها:

با توجه به نتایج تحقیق و نظریات مرتبط با استحکام خانواده، پیشنهادات زیر می‌تواند به‌عنوان راهکارهایی نوآورانه و عملی برای تقویت روابط خانوادگی و افزایش استحکام خانواده‌ها در جامعه ایرانی مورد استفاده قرار گیرد:

- برنامه‌ریزی برای آموزش مهارت‌های زندگی: توسعه برنامه‌های آموزشی جامع که شامل مهارت‌های ارتباطی، حل تعارض، و مدیریت استرس باشد. این برنامه‌ها می‌توانند در مراکز آموزشی، مراکز مشاوره و حتی به‌صورت آنلاین ارائه شوند. هدف این آموزش‌ها، تقویت توانایی‌های فردی و جمعی اعضای خانواده در مواجهه با چالش‌ها و بحران‌هاست.
- ایجاد گروه‌های حمایتی خانوادگی: تشکیل گروه‌های حمایتی محلی برای خانواده‌ها که در آن اعضای خانواده بتوانند تجربیات خود را به اشتراک بگذارند و از یکدیگر حمایت کنند. این

- گروه‌ها می‌توانند شامل جلسات مشاوره، کارگاه‌های آموزشی و فعالیت‌های اجتماعی باشند که به تبادل نظر و تجربیات مثبت کمک کنند.
- توسعه برنامه‌های رسانه‌ای مثبت: تولید محتوای رسانه‌ای که بر ارزش‌ها و الگوهای مثبت خانوادگی تأکید دارد. این محتوا می‌تواند شامل داستان‌های موفقیت خانوادگی، مصاحبه با کارشناسان حوزه خانواده، و برنامه‌های آموزشی باشد که به ترویج روابط سالم کمک کند.
 - تحقیقات بین‌رشته‌ای: تشویق پژوهشگران از رشته‌های مختلف (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و علوم ارتباطات) برای همکاری در پروژه‌های تحقیقاتی مشترک درباره استحکام خانواده. این رویکرد می‌تواند منجر به درک جامع‌تری از عوامل مؤثر بر روابط خانوادگی و ارائه راهکارهای چندجانبه شود.
 - توجه به تنوع فرهنگی: طراحی برنامه‌ها و سیاست‌هایی که به تنوع فرهنگی موجود در جامعه توجه داشته باشند. این برنامه‌ها باید شامل راهکارهایی برای احترام به تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی در خانواده‌ها باشند تا بتوانند نیازها و چالش‌های خاص هر گروه را شناسایی کنند.
 - توسعه خدمات مشاوره آنلاین: ارائه خدمات مشاوره آنلاین برای خانواده‌ها به‌ویژه در شرایط بحرانی یا زمانی که دسترسی به مشاوره حضوری دشوار است. این خدمات می‌توانند شامل مشاوره فردی، زوج درمانی و مشاوره خانوادگی باشند.
 - برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای خانوادگی: سازمان‌دهی جشنواره‌ها و رویدادهای اجتماعی که بر اهمیت خانواده تأکید دارند. این رویدادها می‌توانند شامل فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و هنری باشند که اعضای خانواده را تشویق به مشارکت فعال کنند و حس تعلق را تقویت نمایند.
 - توسعه سیاست‌های حمایتی دولت: تدوین سیاست‌هایی که از خانواده‌ها حمایت می‌کند، مانند تسهیلات مالی برای خانواده‌های کم‌درآمد، برنامه‌های حمایتی برای والدین مجرد، و ایجاد فضاهای عمومی مناسب برای فعالیت‌های خانوادگی.
- این پیشنهادات می‌توانند به‌عنوان راهکارهایی مؤثر برای تقویت استحکام خانواده‌ها در جامعه ایرانی مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به تغییرات اجتماعی و اقتصادی سریع در دنیای معاصر،

اجرای این پیشنهادات می‌تواند به ایجاد محیطی سالم‌تر و پایدارتر برای رشد و توسعه روابط خانوادگی کمک کند.

۹- منابع:

- قرآن کریم ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای
- نهج البلاغه ترجمه محمد دشتی
- احمدی، م.، و همکاران. (۱۳۹۰). مقایسه وضعیت استحکام خانواده در خانواده‌های نظامی و غیرنظامی. مجله علوم اجتماعی و انسانی، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۷.
- اینگلهارت، ر. (۱۳۷۳). تحول ارزش‌ها در جوامع مدرن. تهران: مرکز تحقیقات اجتماعی.
- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- بانکی‌پورفرد، م.، و همکاران. (۱۳۹۶). عوامل تعالی‌بخش در تحکیم بنیان خانواده در آرای مفسران و اندیشمندان معاصر مسلمان. پژوهش‌های اجتماعی، ۸(۴)، ۱۲۳-۱۴۵.
- چلبی، م. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی نظم: نظم اجتماعی و پیوندهای میان فردی. تهران: نشر نی.
- حاجیان مقدم، م. (۱۳۹۶). طراحی الگوی خانواده مستحکم: موضوع سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی. مجله مطالعات اجتماعی، ۹(۳)، ۹۹-۱۱۵.
- حدیث ولایت. (۱۳۷۶). مجموعه بیانات مقام معظم رهبری. تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
- حسن تبار، م. (۱۳۸۴). نظریه سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر روابط خانوادگی. فصلنامه جامعه‌شناسی، ۶(۱)، ۶۶-۷۷.
- حسین زاده، ابوالحسن (۱۴۰۳). تحلیل برهمکنش ابعاد ارتباطات میان فرهنگی: مورد مطالعه، دانشجویان خارجی دانشگاه المصطفی واحد مشهد، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۷(۱)، پیاپی ۶۵، ۱۵۹-۱۲۹.

- خطیبی، س. (۱۳۹۶). سنجش اثرگذاری مؤلفه‌های سازگاری بر تحکیم خانواده. مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۵(۲)، ۷۸-۹۵.
- درخش، م.، و همکاران. (۱۳۹۸). تدوین الگوی ازدواج موفق: یک پژوهش کیفی. مجله علوم اجتماعی، ۱۱(۲)، ۳۴-۵۰.
- ساروخانی، باقر، (۱۳۸۵)، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش.
- ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۸)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آواری نور، چاپ پنجم.
- سگالن، مارتین، (۱۳۸۸)، جامعه شناسی تاریخی خانواده، حمید الیاسی (مترجم)، تهران: نشر مرکز.
- سلحشور، م. (۱۳۷۹). آموزش خانواده: ضرورت‌ها و چالش‌ها. تهران: انتشارات سمت.
- سلیمی، م.، و داوری، س. (۱۳۸۰). نظریه علاقه اجتماعی و تأثیر آن بر رفتارهای خانوادگی. مجله روانشناسی اجتماعی، ۷(۳)، ۵۰۱-۵۲۰.
- صحیفه نور. (۱۳۸۲). مجموعه بیانات امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- طالب‌زاده نوبریان، م. (۱۳۸۵). نقش آموزش در تربیت فرزندان. مجله علوم اجتماعی ایران.
- فتحی، س.، و همکاران. (۱۳۹۵). ارائه مدل ازدواج رضایتمند در فرهنگ ایرانی: مطالعه نظریه داده‌بنیاد. پژوهش‌های فرهنگی، ۱۰(۱)، ۵۵-۷۰.
- فرجاد، محمدحسین؛ آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران، بدر، بی‌تا، چاپ هفتم، ص ۱۷۸. مربوط به ساترلند
- کرایب، یان، (۱۳۸۱)، نظریه‌ی اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس، عباس مخبر، تهران، نشر آگه.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵)، جامعه شناسی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نشرلی
- مجلسی، ب. (بی‌تا). بحارالانوار. جلد ۱۰۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- محسنی تبریزی، م. (۱۳۷۰). نظریه طبقات رفتاری و تأثیر آن بر خانواده. فصلنامه جامعه‌شناسی، ۵(۲)، ۵۹-۶۱.
- مطهری، (۱۳۷۵). انسان کامل. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۶۱). آثار شهید مطهری. جلد ۱. تهران: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۶۵). آثار شهید مطهری. جلد ۲. تهران: صدرا.
- مطهری، م. (۱۳۶۷). آثار شهید مطهری. جلد ۳. تهران: صدرا.
- معین، محمد. (۱۳۷۸). فرهنگ معین. جلد ۲. تهران: انتشارات زرین.
- ملتفت، حسین، (۱۳۸۱)، بررسی علل و عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده تحصیلات تکمیلی.
- Bott, E. (۱۹۵۷). Family and social network: Roles, norms, and external relationships in ordinary urban families. Tavistock Publications.
- Sutherland, Edwin H. (1939). Principles of Criminology. Philadelphia: J.B. Lippincott Company.



The Role of Influencing Factors on Iranian Family Resilience (Case Study: Qom Province)

Abstract

This research investigates the impact of factors influencing Iranian family resilience in Qom Province. The primary objective is to identify and analyze multidimensional determinants affecting family relationship quality. Given the significance of the family institution as society's fundamental unit and its impact on individuals' psychosocial well-being, this study aims to identify key factors that strengthen family resilience. Employing a survey methodology, data were collected using a researcher-developed questionnaire. Instrument reliability was confirmed through Cronbach's alpha coefficient ($\alpha = 0.935$), indicating high measurement validity. The statistical population comprises families residing across Qom Province who have cohabited for at least five years. Using Cochran's formula, a sample size

of 400 participants was determined, with systematic stratified sampling applied. Descriptive results reveal that 98% of respondents rated influencing factors on Iranian family resilience as moderate to high. All six research hypotheses were significantly confirmed via Pearson's correlation analysis. Regression analysis demonstrated significant direct effects of:

Belief-based factors, Emotional-psychological factors, Familial factors, Economic factors, Educational factors, Media factors, on family resilience. Notably, belief-based, economic, and emotional-psychological factors exerted the strongest influence on family relationship quality. The study concludes with practical recommendations for enhancing Iranian family resilience, including: Parental education programs, Family support group initiatives, Development of positive media content promoting family values. These findings provide policymakers with evidence-based insights for designing effective family support programs.

Keywords:

Family Resilience, Iranian Family, Belief-Based Factors, Socio-Economic Factors, Psychosocial Factors, Family Policy, Qom Province.